

در برنامه «پایان نامه» که شنبه ها ساعت ۱۹ از شبکه چهار پخش می شود، جلسات دفاع دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری پخش می شود.

محمد طالبی، مجری و تهیه کننده برنامه پایان نامه در گفت وگویی درباره انتخاب جلسات دفاع گفت: انتخاب جلسات دفاع یکی از سخت ترین کارهایی بود که در این برنامه داشتیم. دانشگاه ها هم تمایل دارند که بخشی از کارهای

دفاع دانشجویان از «پایان نامه» روی آنتن

و بازیگران فصل دوم مجموعه شبکه اول

حکمت های ایرانی

خادمی: من در فصل اول با آقای سیدجمال سیدحاتمی خیلی کم کار داشتم و بخش عمده کارم بیشتر با آقای آب پرور بود. در فصل دوم هم کم با آقای هاشمی کار کردم. با این حال سخت نبود. چون در این مجموعه دویخش از زندگی غزال را می دیدیم.

غریب، لباس و فضا سازی که ابزاری است و به کمک بازیگر می آید، چقدر برای خودتان باورپذیر بود و خود را در آن دوران تجسم کردید تا بتوانید این حس را به مخاطب درست منتقل کنید؟

خادمی: همه چیز کار تاریخی چالش است. از گرم و لباس گرفته تا دیالوگ و لوکیشن. نه فقط برای بازیگر که برای همه تیم چالش محسوب می شود؛ چون شبیه کارهای آبی زمانی و اجتماعی نیست و تو وارد دنیای دیگری می شوی که همه چیز به قصه ها و افسانه هاست و به نظرم خیلی چالش جذابی است. با این که کار سختی هم هست، وقتی فکر می کنم اگر بعد از مستوران سر یک کار آبی زمانی بروم چقدر به نظرم کار لوسی است. چون با این کار آینده شدم و صیقل خوردم. انگار از سربازی برگشتم (می خندد).

هاشمیان: اتفاق لذت بخشی که در کار می افتد این است که همه چیز از اتاق گرم شروع می شود. بازیگر روبه روی آینه اتاق گرم می نشیند و آرام آرام تغییر کردن خودش و نزدیک شدن به نقش را می بیند. بنابراین بخش بزرگ و مهمی از رسیدن بازیگر به نقش در همین اتاق گرم اتفاق می افتد و بعد اتاق لباس آن را تکمیل می کند و آماده مقابل دوربین می رود. گرم و لباس این کار هم به بهترین شکل ممکن این اتفاق را برای ما رقم زد.

رستمی: به هر حال کمک کننده

است، مثلاً ما صائب را در فصل یک با موهای قرمز می بینیم، بنابراین موهای بازیگر را برای نقش رنگ قرمز می کنند. یکی از سختی های کار برای

پژوهشی خود را در برنامه پایان نامه منتشر کنند. اگر محصول نهایی دانشگاه را پایان نامه ها و رساله ها در نظر بگیریم به عنوان بخشی از دستاوردهای دانشگاه، هر دانشگاهی دوست دارد که دفاع ها و پژوهش هایی که صورت گرفته به تصویر کشیده و بیشتر منعکس شود و افراد بیشتری از آنها اطلاع یابند. وی افزود: تا الان به رشته های فنی، صنایع، رشته های هنر، علوم انسانی و علوم پایه پرداخته شده است و سعی می کنیم تا

من همین بود؛ چون هر هفته باید موهایم را به رنگ قرمز درمی آورند و بخش زیادی از موهای من سوخت. همین چهره برای من متفاوت و جدید بود و وقتی مقابل آینه خود را دیدم، این تغییر را در وجودم حس کردم. در کنار گرم، حتی جنس لباسی که بازیگر می پوشد هم می تواند کمک کننده باشد؛ یعنی نژی و نرمی بافت لباسی که طرح انتخاب می کند، روی کاراکتر تاثیر می گذار. این کار هم گرم و صحنه و لباس بی نظیری داشت. اتفاق جالبی که برای من سر این سریال افتاد این بود که با ماشین وارد صحنه ای می شدم که شتر و اسب داشت و در عطاری می نشستم که همه چیز کهنه، قدیمی و کلاسیک بود. حتی لیوانی که با آن جای می خوری متعلق به زمان دیگری است.

انگار به صدها سال قبل پرت شده و اصولاً وارد دنیای دیگری شده اید؟
رستمی: بله واقعاً من سر این سریال انگار دو تا زندگی داشتم. وقتی از ماشین پیاده و وارد لوکیشن می شدم، انگار وارد مکانی شده ام که شتر و اسب دارد. باید با آنها ارتباط می گرفتم. من بارها روی دیوارهای گلی دست می کشیدم که یا گیوه ای که می پوشیدم به من کاراکتری می داد که بتوانم به گونه ای دیگر راه بروم. همه این اتفاقات به بازیگر کمک می کند. نکته دیگری که می خواهم بگویم این است که من هیچ وقت موبایل سر صحنه نمی بردم. چون من وارد مستوران می شدم، برای همین گوشی با خودم نمی بردم.

خانم خادمی شما تجربه کار در پشت صحنه و دستیار کارگردانی هم دارید؛ چقدر این تجربه در کار بازیگری به کمک شما آمد؟
خادمی: به نظرم بازیگر هر تجربه ای پشت دوربین داشته باشد، کمک کننده است اما در هر صورت بازیگری دنیای دیگری است و وقتی مقابل دوربین می روی ناگهان همه چیز متفاوت می شود.

یکی از مهم ترین ویژگی های کاراکتر غزال این است که مادر فصل دوم و جوه دیگری از این شخصیت را می بینیم، او که رئیس قبیله است و سعی می کند به ظاهر آدم محکم و مستقلاً باشد اما گاهی تحت تاثیر قرار می گیرد و گریه می کند. چقدر این شخصیت چند بعدی غزال برای تان جذاب بود و جای کار داشت؟
خادمی: به نظرم بازیگر هر تجربه ای پشت دوربین داشته باشد، کمک کننده است اما در هر صورت بازیگری دنیای دیگری است و وقتی مقابل دوربین می روی ناگهان همه چیز متفاوت می شود.

تفاوت فصل یک با دو در همین است. مخاطب با تمام وجوه شخصیت غزال آشنا می شود و متوجه می شود همان قدر که غزال قسی القلب است، در واقع رقیق القلب است و احساسات لطیفی دارد. از طرفی حفظ قبیله اش برایش مهم است و هر کاری می کند برای نگه داشتن کیان قبیله است. این نکته هم بازی را برای من سخت می کرد و هم چالش جذابی بود. یعنی برای خودم خیلی اتفاق درخشانی بود که می توانستم لایه های مختلف کاراکتر غزال را به مخاطب نشان بدهم. کمّا این که ما نقشی مثل غزال را در تلویزیون نداشتیم، البته در سینما هم نداشتیم و به نظرم نقش خاصی است.

بازی در نقش غزال مستوران چه آورده ای برای خودتان دارد که کارهای بعدی این تجربه به کمک شما خواهد آمد؟
وقتی شما نقشی مثل

غزال را بازی می کنی که لایه های مختلفی دارد و نقش سختی است، در هر صورت روی انتخاب های بعدی من خیلی تاثیرگذار است. البته که امیدوارم کارهای بعدی در راستای نقش غزال نباشد.

چطور به نقش غزال رسیدید؟ آیا برای نزدیک شدن به این فضا مطالعه داشتید یا به فیلمنامه و راهنمایی کارگردان بسنده کردید؟
من کتابی با عنوان «زنانی که باگزرگ های دوند» را خواندم که خیلی به من برای نقش غزال کمک کرد، چون به اسطوره های زنانه می پردازد و از زبان اساطیر و بدویت به لایه های زن امروزی می پردازد. با این حال مجموعه عوامل است که به بازیگر در رسیدن به نقش کمک می کند. **گویا مثل وحید رهبانی که پیش از این قرار بود نقش لطفعلی را بازی کند، برای دیگر بازیگران هم در سواکاری اتفاقاتی افتاده است؟**

هاشمی: دو بار برای خانم خادمی سر صحنه اتفاق افتاد. با این تفاوت که وحید رهبانی دیگر نیامد اما خانم خادمی سر صحنه برگشت (می خندد). خانم خادمی دو بار از اسب افتاد و بار دوم اسب ها از کنارش عبور کردند و من نگران بودم از زروی ایشان رد شوند. البته آقای رهبانی سر صحنه مصدوم نشد، سر تمرین سواکاری از اسب افتاد.

البته فکر می کنم آقای خدانشناس خیلی بیشتر روی نقش لطفعلی نشسته است و گزینه مناسب تری برای این نقش بود. این طور نیست؟

هاشمی: به نظرم کاوه یک مثبت کلاسیک است. چهره ای که همه مادرها دوست دارند دامادشان شود (می خندد) اما او وحید رهبانی وجوه دیگری دارد و می توانست لطفعلی دیگری باشد.

پیش از مستوران قصه هایی که با افسانه ها و ادبیات کهن مرتبط باشد، به گروه سنی کودک و نوجوان برمی گشت. بنابراین از این جهت که الگوی خاصی پیش از مستوران نداشتید، کار را برای شما سخت تر نمی کرد؟

هاشمی: به نظرم این که الگوی خاصی نداشتیم خیلی خوب بود، چون به ما اجازه بلندپروازی می داد. یعنی هرطور که می خواستیم می توانستیم قصه را تعریف کنیم. البته که کار سخت اما بسیار جذابی بود.

به نظر شما چقدر لازم است فیلمسازان ما به این سمت و سو بروند و برای نسل امروز وارد فضایی شوند که شما شدید و در سریال سازی نگاهی به کهن الگوها داشته باشند؟

هاشمی: به نظرم خیلی لازم است. به خصوص این که مردم ما قصه گویی را دوست دارند و سینمای من هم سینمای قصه گو است. از این رو امیدوارم «مستوران ۳» هم ساخته شود. چون ما سیناپس کار را به صورت کامل نوشته ایم، بنابراین اگر دوستان بخواهند که این مجموعه ادامه پیدا کند، کار را با نوبسی می کنیم.

خادمی: واقعاً ایران با این تاریخ و با این ادبیات و داستان هایی که دارد حیف است که سراغ شان نرویم. چون هر شهری از این داستان ها برای خودش دارد. مثلاً مادر بزرگ در کودکی ما خیلی سراغ چنین داستان هایی می رفت، بنابراین باید چنین کارهایی بیشتر ساخته شود.

به خصوص ادبیاتی که مردم مستوران دارند و طبع شعر و شاعری لطفعلی و ماه منیر که مخاطب امروز را با ادبیات گره می زند.

هاشمی: اصولاً یکی از اهداف ما همین بود. یعنی در هدف گذاری که با آقای پناهی در مستوران ۲ داشتیم این بود که خیلی به ادبیات

رستمی و هاشمیان در مورد بازخوردها توضیح می دهند:

هاشمیان: برای روز مادر من دوبار با مترو به بازار تهران رفتم و دو نفر از روی صدام من را شناختند و بازخوردی که گرفتم برابم خیلی جالب و بامزه بود. خانمی که من را دید گفت: برخلاف الان چقدر در آن سریال بامزه هستی.

رستمی: با توجه به پیام هایی که دریافت کردم، فهمیدم کسانی که فکر نمی کردم تلویزیون تماشا کنند، این سریال را دیده اند و دوست دارند و این موضوع برابم خوشایند بود. از بچه های تئاتر گرفته تا منتقدان سینما و تئاتر. به هر حال این سریال ظرفیت فصل های بعدی را هم دارد.

این دو بازیگر از تجربه همکاری با هاشمی هم عنوان می کنند:

هاشمیان: ۲۴ سال است که با آقای هاشمی زندگی می کنم و هربار که با او کار می کنم اوضاع برابم سخت تر بوده. بخشی از کار من این است مراقب تصویری باشم که از من به عنوان همسر آقای



رجوع کنیم و آدم هاشعر بگویند. ضمن این که به گونه ای شعر بگویند که برای مخاطب باورپذیر باشد. فکر می کنم اگر همین موضوع در ذهن برخی مخاطبان هم بماند برای ما نتیجه مطلوبی داشته است.

غریب: به نظر تان کدامیک از قصه های ادبیات کهن ما قابلیت تصویری شدن را دارند و می توانند جذاب هم باشند؟ اصلاً دوست دارید در کار بعدی سراغ چه قصه ای بروید؟

هاشمی: من فکر می کنم در «هرار و یک شب» و هم در «شاهنامه» قصه های جذابی داریم اما به همین شیوه مستوران کار کنیم. چون رو بودن، مخاطب را پس می زند.

غریب: اگر روزی داستان با افسانه ای مثل مستوران نوشته شود، شما دوست دارید کدام کاراکتر را بازی کنید؟

هاشمیان: من دوست دارم «آل» را بازی کنم چون برابم خیلی جذاب است. وقتی مادر بزرگم برای ما آل حرف می زد، توصیفش این بود. آل پیرزنی با موهای قرمز است. احساس می کنم شخصیت جذابی دارد، چون فقط سراغ زن های زانو و بچه های تازه به دنیا آمده می رود. هنوز هم این افسانه کار می کند و خیلی از مادرها زیر بالش بچه های تازه به دنیا آمده قیچی می گذارند. یعنی آل به نوعی در فرهنگ عامیانه مردم پیچیده شده است.

رستمی: من از داستان هایی که در پیجگی شنیدم، علی بابا و چهل دزد بغداد را دوست داشتم. کنایش را هم داشتم و صد بار آن را خوانده بودم. به همین خاطر علی بابا برای من خیلی عجیب و دوست داشتنی بود. حسن کچل را هم دوست دارم بازی کنم، چون برابم کاراکتر جذابی است. البته در کنار افسانه ها، من نقش شعبان جعفری را هم خیلی دوست دارم و به نظرم زنده یاد کشاورز فوق العاده آن نقش را بازی کرد. به نظرم خیلی کاراکترهای جذابی در تاریخ و ادبیات داریم که هم برای بازیگران این نقش ها جذاب است و

هم مردم این داستان ها را خیلی دوست دارند.

غریب: قرار گرفتن در فضای متفاوت و تازه ای که پیش از این تجربه اش را نداشتید، چقدر کار شما را سخت می کرد؟ چون نمونه ای پیش از مستوران نداشتید که از آن الگو بگیرید.

هاشمیان: به هر حال کار سختی برای من بود؛ چون من بازی در این سریال را زمانی شروع کردم که پدرم بود. بعد اواسط سریال بیمار شد و اواخر کار پدر دیگر نبود. پدرم خیلی به افسانه ها علاقه داشت و برای من هم کتاب های تاریخی و افسانه ای زیاد می خرید. می توانم بگویم در طول فیلمبرداری مستوران من دو اتفاق سخت را پشت سر گذاشتم؛ بیماری پدر و نگرانی ها و ترس ها و شب بیداری های بیمارستان و بعد هم از دست دادن پدر. خیلی سخت بود اما لذت بخش هم بود. معمولاً در این شغل وقتی کاری تمام می شود، آدم ها ارتباط شان با کمرنگ یا کلاً قطع می شود. تعداد زیادی از بچه های این پروژه ارتباط شان را نگه داشته اند و در یک گروه هستند که به خاطر فضای صمیمانه ای بود که در کار داشتیم و به نوعی این صمیمیت در من راتسکین می داد.

رستمی: یکی از سخت ترین اتفاقات کار تاریخی، زبان آن است. یعنی چون ما در این زمان و با این زبان زندگی می کنیم برای بازیگر سختی کار در این است که کجا می تواند بداهه بگوید و جمله و کلمه ای نکوید که به این دوران مربوط شود یا این که شعری بگوید که شاعرش مربوط به آن دوران نباشد.

برش

هاشمی دیده می شود. می توانم بگویم توقع ها از من بیشتر می شود و این کار من را هم سخت تر می کند. البته من نمی خواستم در این کار باشم. چون اولین سریال آقای هاشمی بود و من دلم نمی خواست نقطه ضعف کارش باشم. به من خیلی اصرار کرد اما قبول نمی کردم و بعد از او خواستم نقش کوچک تری بازی کنم، اما قبول نکرد. البته آقای پناهی هم از من بازی ای ندیده بود و ضمن این که اصلاً از فامیل بازی خوشش نمی آمد. تا این که رفتم و با آقای رستمی سکانسی را کار کردیم که تمام ترس هایم از بین رفت.

رستمی: من آقای هاشمی را به عنوان برنامه ریز درجه یک و باهوش و نکته سنج می شناختم اما با هم کار نکردم بودیم. کار کردن با او بسیار راحت بود. چون بیشتر از رابطه کارگردان و بازیگر با آدم رفیق می شود و این تعامل را راحت تر می کرد. امیدوارم مستوران ادامه پیدا کند. چون حال همه ما سر کار خوب بود و اصلاً از کار خسته نشدیم. این کار برای من نه صرفاً به عنوان بازیگر که به عنوان مخاطب به قدری جذاب است که هر جا باشم ساعت ۱۰ شب خودم را به خانه می رسانم تا مستوران را تماشا کنم.

گزارش تصویری



عطارباشی و بانو

شکوفه هاشمیان و بانو رستمی، از بازیگران اصلی سریال «مستوران ۲» هستند که نقش یک زوج را بازی می کنند.

رستمی: ایفاگر نقش صائب است و هاشمیان نیز نقش همسر او را دارد. این دو چهره های تازه ای از خود در این سریال به نمایش گذاشتند که با آثار پیشین شان تفاوت دارد.



کوارکد را اسکن کنید

چهره

یک تلخک خاص

خسرو احمدی را باید از بازیگران برجسته ای دانست که حضورش در فصل دوم مستوران، به پیشبرد برخی کاراکترها کمک کرده است.

او تاکنون در کارهای شاخص حوزه کودک و نوجوان بازی کرده و حالا با نقش متفاوتی در سریال مستوران، مقابل دوربین رفته است.

احمدی بدون شرکت در دوره با کلاس بازیگری، وارد دنیای بازیگری شده و با بازی در مجموعه تلویزیونی و کودکانه الگ و دولنگ به کارگردانی ایرج طهماسب به شهرت رسید. او در فیلم های سینمایی بسیاری همچون سه بیگانه، کلاه قرمزی و بچه ننه، دهنده زمین، مینی بوس، خوابگاه دختران، کلاه قرمزی و سروناز و سریال های قطار ابدی، چراغ جادو و نون و ریخون حضور داشته است.

بازی در آثاری همچون وضعیت زرد، خوشنام، زیرخاک، باخانمان، چرخ فلک و راه و بیراه در کارنامه او هنرمند دیده می شود. احمدی در فصل دوم مستوران، نقش تلخک را بازی می کند که در عمارت نوذر زندگی می کند.

تلخک ها در عمارت ها در کنار سلطان ها در کنار سرگرم کردن آنها کارشان انتقاد کردن نیز بوده و حالا خسرو احمدی از پس بازی در این کاراکتر پیچیده به خوبی برآمده است.



موسیقی

یک نوای ماندگار

یکی از نقاط برجسته سریال مستوران ۲، موسیقی این مجموعه است. شورا کریمی، آهنگساز فصل دوم مستوران است که پیش از این درخصوص همکاری با این اثر به «جام جم» گفته بود؛ از من برای پروژه مستوران ۲ دعوت شد. در جلسات اولیه صحبت هایی با هم داشتیم، خدمت تهیه کننده کار، عطا پناهی رسیدیم و در نهایت با توافقی که انجام شد، تصمیم گرفتیم کار را آغاز کنیم. همچون همیشه از همکاری با علی هاشمی لذت بردم و از دوستان دیگر از جمله عطا پناهی او متحّم، فکر می کنم در کنار یکدیگر کاری را به انجام رساندیم که آبرومند باشد. موسیقی مستوران طوری طراحی شد که تلفیقی از موسیقی ارکسترال، الکترونیک و صداهایی باشد که ما به صورت بی افدی استفاده کردیم. من از ساز کامانچه، دودوک و کتابه عنوان سازهای سنتی و آوازولون، ویلا در ارکستری با تلفیقی از سازهای زهی، سازهای بادی، چوبی و همین طور ارکستر الکترونیکی با توجه به نیازی که در جاهای مختلف مجموعه حس می شد بهره بردم. با توجه به این که فرم های مختلفی از پیان در سریال وجود داشت در نتیجه مستلزم این بود که از اشکال مختلف موسیقی هم استفاده کنیم.

